



جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

فهد العجلان | ترجمه: حمید ساجدی



جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

سخنران در یک سخنرانی عمومی از بحث خارج شده و به انتقاد از برخی مظاهر افراط‌گرایی در یک مفهوم شرعی معین پرداخت. دوستی از این سخنان خوشش نیامد و از این حاشیه رفتن ابراز ناراحتی کرد. از او پرسیدم: آیا به نظرت در داوری خویش اشتباه کرده و مفهوم افراط‌گرایی را بزرگتر از حد خود نشان داده، یا ظلم و تعدی به کسی در سخنانش مشاهده کردی؟ پاسخ او به چنین مباحثی مربوط نبود، بلکه محور انتقادش در این مورد بود: «انتقاد از افراط‌گرایی در زمانی که کوتاهی و تفریط و بازی با احکام شرع شایع گشته است اقدامی غیر حکیمانه است، و نیازی به آن وجود ندارد، مگر اینکه کسی

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

بخواهد حاکمان یا طیف‌های فکری معینی را از خود راضی ساخته یا به دنبال منافع شخصی باشد. ضمن اینکه نقد افراط‌گرایی ممکن است به خاطر تبلیغات گسترده رسانه‌های غربی توسط برخی از مردم این‌طور تفسیر شود که مفهوم شرعی معتدل چیزی است که آنان می‌گویند، پس مقابله با آن الزاما به معنای مقابله با افراط‌گرایی نیست. همچنین وقتی با افراط‌گرایی مبارزه می‌کنی ممکن است از سخنان برای زیر سوال بردن مفاهیم شرعی سوء استفاده شود». در آخر اضافه کرد که افراط‌گرایی بالاخره دعوتی به تقویت مفاهیم شرعی است، و اگر فردی دچار اشتباه و افراط در این مورد شود، باز هم در تقویت بخشی از شریعت نقش داشته، و هدف او برایمان سودبخش است، و افراط و مبالغه‌اش ضرری ندارد.

این سخنان سوال مهمی را به میان می‌آورد: آیا واقعا هیچ اشکال حقیقی و اساسی در افراط‌گرایان وجود ندارد، و نقد علنی آنان نه به خاطر نیاز به هشدار در مورد خطر این تفکریا درک واقع‌گرایانه مشکلات آنان، بلکه به خاطر هوای نفس و خواسته‌ها و منافع شخصی است؟

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

و آیا افراط‌گرایی در دوران معاصر هیچ خطری برای مفاهیم شرعی ندارد، بلکه با وجود نادرست بودنش در نهایت در مسیر تقویت مفاهیم شرعی و نهادینه سازی آن مفید واقع می‌شود؟

در گفتگویی که گذشت حساسیتی پنهان در مورد نقد افراط‌گرایی و افراط‌گرایان وجود دارد، که علت آن بی انصافی رایج در جامعه در عدم تمایز میان افراط و تفریط و اعتدال است. هر فرد متدین و ملتزم به احکام شرعی به افراط‌گرایی وصف می‌شود، و علما و دعوت‌گران و ناصحان و دلسوزان به مجرد اینکه در مقابل شهوت‌ها و خواسته‌های درونی افرادی در جامعه ایستاده و به دین خود پایبند باقی می‌مانند متهم به افراط و غلو می‌شوند. این واقعیتی غیرقابل انکار است، اما اهتمام به این مسئله اگر به حد سهل انگاری در مورد افراط‌گرایی و اشکالات افراطیون برسد، بلکه تا جایی پیش رود که این عیوب و خطرات افراط‌گرایی را در پایان به مصلحت شریعت و دعوت بداند، در چنین حالتی این حساسیت فکری از حد و مرز شرعی گذر کرده است. زیرا هشدار دادن در مورد خطر افراط‌گرایی از موضوعات شرعی است که در مورد آن

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت |

نصوص شرعی مختلفی وارد شده، و تا جایی رسیده که هیچ حدیث صحیحی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله در مورد هیچ فرقه‌ای از فرقه‌های منحرف منسوب به اسلام مانند باطنی‌ها و شیعه و قدریه و جهمیه و معتزله روایت نشده، اما در مورد خوارج چند حدیث نبوی به ثبوت رسیده است.

این نکته جالب توجهی است که نشان می‌دهد در تفکر خوارج اشکال معینی وجود دارد که در دیگر فرقه‌ها وجود نداشته، و به همین دلیل آنان به شکل ویژه ذکر شده‌اند. می‌توان حکمت از توجه ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله به خوارج و هشدار در مورد آنان را در این جستجو کرد که انسان‌ها معمولاً از کسانی که به سهل‌انگاری و بی‌توجهی در مورد احکام شریعت مایل هستند به صورت طبیعی دوری می‌کنند، و برای کسی که به دینداری و بزرگداشت شرع شناخته می‌شود ارزش قائل هستند، و به همین دلیل افراط‌گرایی و تندروی در چنین افرادی را به خاطر تدین و خدا ترسی ظاهری آنان می‌پذیرند، ضمن اینکه بسیاری از افراط‌گرایان واقعا اهل صداقت و حق‌جویی و پرهیزگاری و

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

دوری از لذت‌های دنیا هستند، و به همین دلیل تندروی‌ها و اشتباهاتشان هر چقدر سنگین باشد باز هم مشروعیتی نسبی پیدا می‌کند.

این می‌تواند توضیحی باشد برای خودداری بعضی مردم از اعتراض و محکوم کردن بسیاری از انحرافات و تندروی‌های افراط‌گرایان، یا تلاش برای یافتن عذر و بهانه‌ای برای اقدامات نادرست آنان، زیرا فرد در آن صداقت و فداکاری و علاقه به دین را به وضوح می‌بیند، و به همین دلیل از زیر سوال بردن آنان ترس دارد، و ممکن است با آنان همراه شده و اشکالاتشان را نادیده بگیرد، و این موضوع خود خطر این فرقه را تشدید می‌سازد.

به همین دلیل هشدار پیامبر اسلام ﷺ در این مورد وارد شده و به صراحت به ما می‌گوید که عبادت یا نیت پاک یا فداکاری یک شخص برای دین نباید باعث شود که خروج از حدود شرع از چنین افرادی پذیرفته شود.

خودداری از نقد افراطیون (نقد عالمانه و منصفانه) باعث دو اشکال می‌شود: تندروی‌های آنان را بخشی از فضای اجتهاد در مفهوم شرع می‌بیند، در نتیجه

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

اگرچه ممکن است گروهی بتوانند میان اشتباهات افراط‌گرایان و مفاهیم صحیح شرع تمایز قائل شوند، اما گروه دیگری این توانایی را ندارند و ممکن است به سادگی تندروی‌های آنان را بپذیرند، و اشکال دوم اینکه بخش بزرگی از مردم به خاطر تندروی‌های افراط‌گرایان مفاهیم صحیح شرعی را نخواهند پذیرفت.

پس این باور که به نقد افراط‌گرایان نیازی نیست توهمی بزرگ است که با هشدارهای صریح شرع در مورد افراط و اختصاص یافتن احادیث صحیح به خطر افراط‌گرایان (بر خلاف دیگر فرقه‌های منحرف) مخالفت دارد، ضمن اینکه ناآگاهی از واقعیت‌ها و پیامدهای اقدامات افراط‌گرایان است. اگرچه ممکن است در نقد افراط‌گرایی افراط و زیاده‌روی صورت گرفته و برخی از آن سوء استفاده کنند، اما این سوء استفاده و زیاده‌روی (که خود انحراف و افراط است و باید از آن دوری کرد و در موردش هشدار داد) نباید باعث شود موضع نادرست دیگری اتخاذ کرده و در موضوع افراط‌گرایی تساهل به خرج دهیم.

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

برای اینکه این بحث شکل عملی به خود بگیرد، یک مثال عملی انتخاب می‌کنیم، و مفهوم شرعی «اجرای احکام شریعت» را به بررسی گذاشته و در مورد پیامدهای منفی افراط‌گرایی و موضع‌گیری افراط‌گرایان در این مبحث سخن می‌گوییم. همیشه علما و دعوت‌گران و فعالان اسلامی در بحث تقویت مفهوم اجرای احکام شریعت و پاسخ به شبهات معترضان، و در نقد مکاتب و مذاهب و طیف‌های مخالف آن نوشته‌اند، که تلاش‌هایی ارزشمند و قابل تقدیر بوده و در نهادینه‌سازی این اصل شرعی در ذهن مردم نقش موثری ایفا کرده، و مجال را برای رشد افکار مخالف شرع تنگ نموده است. اما اشکالی که باید مورد توجه قرار گیرد مقابله با برداشت‌ها و مذاهب افراطی و تفسیرهای آنان از مفهوم اجرای احکام شریعت است. این نمونه‌ها باید علناً مورد نقد و اعتراض قرار گیرند تا با مفاهیم شرعی مخلوط نشده و مردم را به اشتباه نیندازند، زیرا برداشت‌های افراطی باعث به وجود آمدن شبهه‌ها و اشکالات بسیاری در مفهوم اجرای احکام شریعت شده و آن را نزد مردم تضعیف می‌کند، و به شبهه‌های مطرح شده در مورد آن کمک کرده و موانع مختلفی

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت |

در مسیر رسیدن به حقیقت آن ایجاد می‌کند. در ادامه برخی از این اشکالات ذکر می‌شوند:

اشکال اول:

افراط‌گرایی به شکل طبیعی باعث دور شدن مردم از دین می‌شود. افراط‌گرایان به سبب تندروی و خشونت و ناآگاهی و سوء ظنی که دارند به پروژه‌هایی برای تفرقه و گسستگی امت اسلام تبدیل می‌شوند که امکان همکاری با آنان از بین می‌رود. به همین دلیل است که پروردگار عزوجل صفت رفق و نرم‌خویی پیامبر اسلام ﷺ را مورد ستایش قرار داده است؛ صفتی که باعث اتحاد و همدلی می‌شود، و فرمود: **فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ** {آل عمران: ۱۵۹} (از رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی. و اگر درشت‌خوی و سنگ‌دل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند).

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

صفاتى مانند نرم خویى و مدارا برای گردهم آوردن مردم و نزدیک کردن دل‌ها ضرورى است. تصور کنید کسى که نه تنها این صفات را ندارد، بلکه جهل و تکفیر و سوءظن را نیز به آن افزوده است، چگونه خواهد بود؟ شکی نیست که چنین فردی آتش تفرقه و اختلاف را شعله‌ور خواهد ساخت، و بدیهی است که تفرقه جایی در شریعت ندارد، و نزدیک کردن دل‌ها نیازمند عقل و حکمت و حسن ظن و مدارا با مسلمانان و معذور دانستن آنان در حد امکان است، تا فرد بتواند موافق و مخالف را کنار هم گرد آورد، و دور و نزدیک را جذب کند، و حتی بسیاری از دشمنان را آرام ساخته و دشمنی‌ها و کینه‌ها را کاهش دهد. چنین روشی در تفکر افراط‌گرایان که به دنبال دامن زدن به اختلافات و کینه‌ها حتی با نزدیکان خود هستند جایی ندارد. کسانی که از همدلی و دوستی با نزدیکان خود عاجز هستند چگونه می‌توانند جامعه را رهبری کرده و نظامی تاسیس کرده و بر گروه‌ها و طیف‌های مخالف یکدیگر حکومت کنند؟

همچنین افراط‌گرایی راه را بر امکان رسیدن به قدرت یا تصویب قوانینی که پیرو اسلام باشند می‌بندد، زیرا افراطیون از صفاتی مانند محبت و

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

خویش‌داری و حکمت که با استفاده از آنان مردم را به سوی پیروی از شریعت راهنمایی کنند بی‌بهره هستند، و تنها به دشمنی‌ها و مشکلات دامن می‌زنند که عمق چالش‌ها و بحران‌ها را بیشتر می‌کند.

پیامبر ﷺ معاذ بن جبل رضی الله عنه را به شدت توبیخ کرد، چون نماز را طولانی کرده بود و باعث شده بود برخی مردم نماز جماعت را رها کنند، و به او فرمود: «ای معاذ! مگر تو فتنه گر هستی؟!»^(۱) زیرا نمی‌خواست معاذ باعث دور شدن مردم از عبادت شود. این‌ها مفاهیمی هستند که غالباً مورد توجه افراط‌گرایان نیستند. تصور کنید وقتی رسول خدا ﷺ این جمله را به خاطر دور کردن افرادی معین از عبادتی معین به زبان آورده باشد، حال کسی که جوامع بسیاری را به خاطر تندروی‌هایش از احکام و اصول مهم شریعت و حتی اصل اجرای شریعت اسلام متنفر می‌سازد چگونه خواهد بود؟!

اشکال دوم:

(۱) صحیح مسلم (۴۶۵).

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت |

طبیعت تندروی این‌گونه است که به خاطر شدت و تکلف و زحمتی که با خود دارد ادامهٔ راه را برای همگان دشوار می‌سازد، و حتی اگر برخی مردم قادر به تطبیق آن باشند، غالب مردم امکان آن را نخواهند داشت، و آنانی که مدتی این منش را در پیش می‌گیرند خیلی زود آن را رها می‌کنند، و به همین دلیل نبی اکرم ﷺ فرمود: «و هیچ کس دین را سخت نخواهد گرفت، مگر آنکه مغلوب خواهد شد».^(۳) ضمن اینکه برخی احکام ممکن است در خود برای بعضی از مردم نوعی از تکلف و سختی داشته باشند و نیازمند تطبیق تدریجی و مدارا باشند تا توسط مردم به مرور پذیرفته شوند، و اجرای این احکام بدون در نظر گرفتن این موضوع موفقیت‌آمیز نخواهد بود، و باعث دوری بسیاری از مردم از دین خواهد شد. چه رسد به وقتی که در این احکام زیاده‌روی شود، در چنین حالتی قطعاً مردم این احکام را تحمل نخواهند کرد.

اشکال سوم:

(۲) صحیح بخاری (۳۹).

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

افراط در اجرای احکام شرع منجر به اقدامات، گفته‌ها و موضع‌گیری‌هایی غیر شرعی می‌شود که افراط‌گرایان تصور می‌کنند نشان دهندهٔ صداقت و فداکاری در مسیر شریعت است، در حالی که این اقدامات به اجرای احکام شرع ضربه می‌زند. در نتیجه مخالفین آنان به راحتی به کوتاهی و سستی در اجرای احکام شرع متهم شده، و به تبع آن به راحتی تکفیر می‌شوند در حالی که اشتباهات احتمالی آنان در مسائلی است که نباید به حد کفر برسد، یا ممکن است عواملی مانع اجرای حکم شرعی شده، یا از نوع اقدامات اجتهادی باشد. ضمن اینکه هیاهوی افراط‌گرایان در متهم کردن دیگران باعث می‌شود مخالفین آنان نیز به دفاع از خود پرداخته و برای اثبات برائتشان از این تهمت‌ها تمام تلاش خود را به کار گیرند، و در نتیجه موضوع اجرای احکام شرع از یک اصل شرعی که باید مردم را به سوی آن فراخوانده و موانع آن را برطرف سازیم به مسابقه‌ای تبدیل می‌شود که در آن طرفین تلاش می‌کنند نشان دهند که در اجرای احکام شرع صداقت بیشتری دارند. این می‌تواند توضیحی باشد برای پدیدهٔ تلاش برای انجام هر اقدامی در مسیر آغاز اجرای

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

احکام شرع، حتی اگر انجام آن قطعاً مضر و مخرب باشد، زیرا هیچ شروط و ضوابطی برای آن رعایت نشده است. آنان به محض اینکه قدرت را در بخشی کوچک به دست می‌گیرند پس از چند روز شروع به اجرای مجازات‌های شدید در مورد گناهانی می‌کنند که بسیاری از مردم در آن کوتاهی دارند، مانند نماز جمعه یا جماعت یا مصرف سیگار و غیره، و به اجرای آنها اکتفا نکرده، بلکه این مجازات‌ها را ثبت کرده و در برابر دیدگان جهانیان منتشر می‌کنند، به شکلی که نه تنها فقیه و عالم دین، بلکه هیچ عاقلی شک نمی‌کند که مخالف شرع است و هیچ جایی در بحث اجرای احکام شرع ندارد، بلکه از مفاسدی است که باعث دوری مردم از اجرای احکام شرع و ترساندن آنان از هر دولتی است که به دنبال اجرای شریعت اسلام باشد، و عجیب است که چگونه این پیامد واضح بر مجری چنین احکامی مخفی می‌ماند؟! شاید همان پدیده تلاش برای اجرای هر حکم شرعی با هدف اثبات توانایی و اراده قاطع برای اجرای احکام شرع بتواند تفسیر مناسبی از این احکام عجولانه به دست دهد.

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

این گفتمان مبالغه‌آمیز در بحث اجرای احکام شریعت که مردم را بر اساس مسائل اجتهادی تکفیر کرده و گمراه می‌داند، یا در نقد آنان به خاطر برخی موضع‌گیری‌های نادرست به شکلی افراطی مبالغه می‌کند، باعث می‌شود که دعوتگران و علما از مفهوم اجرای شرع و چگونگی آن و چالش‌های پیش روی این مفهوم و زمینه‌های اجتهاد و بررسی آن دور شده و به گفتن اینکه می‌خواهیم شریعت را اجرا کنیم و با حکمی غیر از آن مخالف هستیم اکتفا کنند، و کوتاهی ما در فهم جزئیات و ایجاد ابزارها و یافتن راه‌حل‌های مناسب به نوعی ضعف تبدیل می‌شود که ما را از رسیدن به اجرای شریعت باز می‌دارد. ضمن اینکه این گفتمان به خاطر روشی که در دشمنی و خصومت در پیش گرفته است همه قضایای مرتبط به اجرای شریعت را به اصول قطعی تبدیل می‌کند که هرگونه بحث و مناقشه یا اجتهاد در آن مسائل به معنای وقوع در کفر است، و احکام جدایی کامل آن فرد از دین و حلال شدن خون و مالش اجرایی می‌گردد. در نتیجه مسائل اجتهادی جزئی در چگونگی اجرای احکام شریعت و دیگر مسائل مربوط به این بحث به اصول قطعی و غیر قابل تغییری

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

تبدیل می‌شوند که اجازه هیچ‌گونه بحثی در مورد آن وجود ندارد، و فرد عالم مجتهد به خود اجازه نمی‌دهد وارد این مباحث شود، زیرا می‌ترسد جاهلان و افراد ناآگاه او را تکفیر کنند. در چنین شرایطی مسائل اجتهادی که در شریعت در مورد آن اختلاف وجود دارد، یا به خاطر غلبه مفسد بر منافع امکان اختلاف در آن فراهم است به مسائل قطعی و حساس تبدیل می‌شود، و چنین افراط و زیاده‌روی هرگونه فرصتی برای اجرای احکام شرع را از بین خواهد برد.

اشکال افراط‌گرایی و تندروی این است که خود و تمایلات خود را به جامعه تحمیل می‌کند. همگان مجبورند تمایلات و سلیقه‌های افراط‌گرایان را در نظر بگیرند، نه ضوابط شرع، و اینجاست که فرد از زمینه‌های معینی که شریعت امکان اجتهاد و بررسی را در آن فراهم کرده (و حتی ممکن است نظر مخالف افراط‌گرایان درست باشد) دوری می‌کند تا مورد حمله تندروها قرار نگیرد! در نتیجه تکلف و سختی و تعطیل برخی مصالح شرعی صرفاً به خاطر انحرافات افراط‌گرایان به وجود می‌آید. برای مثال: شرعاً امکان صلح با کافر حربی وجود دارد، و می‌توان با آنان جلسات و مذاکراتی برگزار کرد تا مصالح مسلمین تا

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

حد امکان تامین گردد. حتی اگر برخی حاکمان این حکم را ابزاری برای تحقق مصالح شخصی یا کوتاه آمدن در مقابل خواسته‌های غرب و شرق قرار دهند، یا حتی اگر در آن صلح، مصالح معتبر محقق نگردد، باز هم نمی‌توان اصل جائز بودن این حکم را رد کرد. اما حملات و خشونت‌های تندروها و هیاهوی آنان باعث می‌شود هر کس به این موضوعات بیندیشد بلافاصله در خطر تکفیر و خشونت قرار گیرد، و همه نیروهای مجاهدی که با متجاوزان درگیر هستند از این ابزار شرعی مباح که مصلحتی واضح در آن وجود دارد دوری کنند تا با سلیقه و خواست افراط‌گرایان همراهی کرده باشند، حتی اگر در اصل این حکم هیچ ایرادی وجود نداشته باشد!

اشکال چهارم:

گسترش دایره تکفیر و صدور حکم ارتداد دیگران، که رفتاری شایع و رایج میان افراط‌گرایان است. بسیاری از تندروها اصل اجرای احکام شرع را دستاویزی برای تکفیر مخالفین خود قرار می‌دهند و ادعا می‌کنند که طرف مقابل شریعت را اجرا نمی‌کند، حتی زمانی که آن فرد صریحا باور خود به اجرای

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

احکام شرع را اعلام کرده و حتی در مسیر آن بجنگد. اما افراط‌گرایان به دنبال هراشتباه وی یا هراختلاف در موضوعات اجتهادی یا بحث مصالح و مفاصد می‌گردند و از آن برای اعلام کفر و ارتداد مخالفشان استفاده می‌کنند، در حالی که طرف مقابل رسماً باور خود به اجرای شریعت را اعلام می‌کند! بدیهی است چنین روشی منجر به تضعیف اصل اجرای شریعت و شکست خوردن پروژه‌ها و برنامه‌ها برای رسیدن به آن می‌شود. پس تعجبی ندارد که مردم در ابتدا به کسی که اجرای احکام شریعت را شعار خود قرار داده روی آورند، اما وقتی اختلاف و دشمنی و تکفیر یکدیگر را ببینند از شعارهایی که منجر به این دشمنی‌ها و مشکلات شود روی گردان خواهند شد. به همین دلیل مهمترین ایرادی که به مفهوم اجرای احکام شرع در دوران معاصر وارد می‌شود این است که: شریعت بر اساس فهم چه کسی؟! و این که به نام اجرای شریعت چه جنایاتی صورت گرفته است؟ افراط‌گرایی نقش مهمی در تعمیق و تقویت این دو اشکال بزرگ دارد، زیرا به اختلافات دامن زده و منجر به ارتکاب جرائم شنیع به نام اجرای شریعت می‌شود، که خود مانعی برای اجرای شریعت

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

خواهد بود. افراد منحرف و مغرض همیشه به اقدامات و رفتارهای افراط‌گرایان برای ترساندن جامعه از اجرای احکام شرع استناد می‌کنند، و شبهه «شریعت بر اساس فهم چه کسی؟» که تا پیش از این در کتب برخی روشنفکران و مستشرقین محصور بود اکنون به شبهه‌ای رایج میان مردم تبدیل شده، و علت آن رفتارهای تندروهاست.

پروژه افراط‌گرایی معمولاً به گسترش دایره تکفیر گرایش پیدا می‌کند، و در ادامه به حلال دانستن خون و سلب تمامی حقوق اسلامی می‌پردازد، چرا که نمی‌توان عملی را از دایره کفر خارج نموده و سپس حقوق مسلمان را سلب نمود، به همین دلیل، تساهل بسیاری در تکفیر به خرج می‌دهد و طبیعی است کسی که علما و دعوت‌گران و مجاهدین را به راحتی تکفیر می‌کند، عموم مردم را راحت‌تر تکفیر خواهد کرد، و چنین کسی هرگاه بر جامعه‌ای حاکم شود تنها وبال گردن مردم خواهد بود، و برای توجیه جنایات و تندروی‌هایش به آنها برچسب اجرای احکام شریعت خواهد زد، که خود منجر به تخریب و زشت نشان دادن بیشتر این مفهوم می‌شود.

اشکال پنجم:

کسی که تحت تاثیر افکار افراط‌گرایان باشد بسیاری اوقات در فهم واقعیت موجود و اشکالات و ابزارهای تاثیرگذاری بر آن دچار کوتاهی می‌شود، که خود موجب کوتاهی در سه مسئله می‌گردد:

۱. استفاده از ابزارهای معاصر که بدون تفکر به رد آن می‌پردازد و از بسیاری از ابزارهای مباح مدرن استفاده نمی‌کند.

۲. بی‌توجهی به ضرورت ارائه گفتمان سیاسی کارآمد برای پروژه اسلامی و اهداف آن با زبانی مناسب که طرفدارانش را تقویت کرده و دشمنانش را کاهش دهد، و منافع مختلفی به همراه داشته باشد. برخی تندروها چنین گفتمانی را رد کرده و تفاوتی میان گفتار حق و نحوه ارائه آن به مردم قائل نیستند، و معتقدند هر چه را حق می‌دانند باید بدون توجه به شرایط و مصلحت‌ها اعلام شود! برخی دیگر معتقدند نمی‌توان در مسیر به دست آوردن طرفداران جدید یا

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت |

کاهش دشمنی‌ها یا جذب دشمنان بدون کنار گذاشتن اصول و مبادی و کوتاهی در اجرای شریعت پیش رفت، و به همین دلیل هیچ نیازی به تدوین گفتمان مناسب سیاسی-شرعی نمی‌بینند.

۳. کوتاهی در بررسی وضعیت مردم در بحث مفهوم اجرای احکام شریعت، و تخریب و تحریف و تبلیغات خطرناکی که به صورت برنامه‌ریزی شده در مورد آن ارائه شده است. دانستن این شرایط می‌تواند در آماده سازی محیط مناسب و غلبه بر چالش‌ها تاثیر بسیاری داشته باشد، اما غالب افراط‌گرایان توجهی به ترازوی مصالح و مفسد ندارند و در نتیجه به بررسی حقیقی واقعیت موجود وقعی نمی‌نهند.

اشکال ششم:

افراط در یک مفهوم شرعی خود نوعی جهل به این مفهوم است، و کسی که در مورد یک مفهوم شرعی تندروی می‌کند شریعت را از اساس به درستی

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت |

نفهمیده است، و آن گفته مشهور در موردشان صدق می‌کند: «کسی که نداند
الله متعال چه نازل کرده است چگونه می‌تواند بر اساس آنچه الله نازل کرده
است حکم کند»؟!

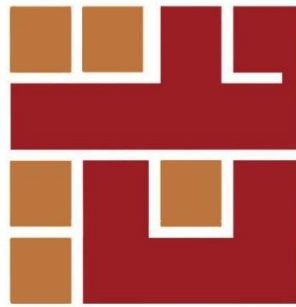
همچنین از ضروریات نگاه فقهی به یک موضوع، در نظر گرفتن مصالح و
مفاسد، و توان و امکان اجرای حکم است. اینها اصول شرعی قطعی و معتبر
هستند، و اگر چه ممکن است در تعریف چارچوب آنها اختلاف به وجود آید
(که خود بحث اجتهادی مهمی است)، اما کسی که به صورت کلی این
موضوعات را نادیده می‌انگارد و تنها به دنبال اجرای حکم بدون در نظر گرفتن
امور مرتبط است در حقیقت نسبت به شریعت جاهل است، حتی اگر ادعای
اجرای احکام شریعت را داشته باشد.

اینها مجموعه‌ای از اشکالاتی بود که افراط‌گرایی در مفهوم اجرای احکام شرع
به وجود می‌آورد، و باعث ایجاد خلل در سه جنبه ضروری مربوط به اجرای
شریعت در دوران معاصر می‌شود:

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت

- دانستن مفهوم این اصل و مرزهای آن.
 - در نظر داشتن شروط شرعی در هنگام تطبیق آن اصل.
 - بررسی چگونگی رسیدن به اصل.
- می‌بینیم که افراط‌گرایی در تمامی این جنبه‌ها نقشی منفی ایفا می‌کند و منجر به تخریب و فساد می‌شود.
- این محورهای سه‌گانه نیازمند اعتدال در تفکر و پختگی عقلی است که افراط‌گرایی هرگز آن را تحمل نخواهد کرد، بلکه به دنبال رد آن و حمله به صاحبان چنین تفکراتی بوده و آنان را منحرف و گمراه و کافر خواهد خواند. در نتیجه افراط‌گرایی تبدیل به مانعی از موانع شرع می‌شود، و تقویت آن در اجرای احکام شرع باعث تضعیف این اصل و ایجاد موانع مختلف در مسیر تحقق آن خواهد گردید.

جنایت افراط‌گرایان علیه اجرای شریعت |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies